

«چه می شد اگر...»



این اولین سری داستان‌های کمیک بوکی است که کمپانی مارول آن را سال‌ها پیش رو کرد و اگر دیرتر از سایر قصه‌هایش به سراغ ساخت فیلمی سینمایی با بازیگران زنده از روی این داستان رفته، به این سبب است که تصور می‌کرده قصه‌های دیگرش ظرفیت و امکان توفیق سریع‌تری را در قیاس با این داستان دارند و این البته تصور بی‌پایه‌ای نبوده است. هرچه هست، در این داستان‌های ترکیبی تعداد قابل توجهی از قهرمانان کمیک‌بوکی حضور دارند و همین‌طور صدایشه‌های معروفی که به جای این کاراکترها صحبت و جذابیت کار را بیشتر می‌کنند. در این فیلم آخرین مرتبه حضور چادویک بوسمن فقید را در قالب تی‌چالا می‌بینیم و همین‌طور بازگشت هیلای ات ول را به‌عنوان مأموری به‌نام پگی کارتر. از روی این داستان‌ها و اتفاقات یک نسخه کارتونی جدید هم تهیه شده که از شبکه دیسنی پلاس در حال پخش است و در هر دو مورد این سؤال مطرح می‌شود که اگر در دنیای مارول اتفاقات دیگری رخ می‌داد، کار به کجا می‌کشید و کاراکترها به کدام سو می‌رفتند و بر سر این قهرمانان کمیک‌بوکی چه می‌آمد. تاریخ اکران این فیلم در امریکای شمالی و اروپا اواخر شهریور ماه ۱۴۰۰ است.

«ثور: عشق و رعد»



جدیدترین فیلم از سری کارهای «ثور» که کریس همزورس با ایفای رل او به شهرتی عالمگیر رسیده، با کارگردانی نایکا وای‌تینی آماده نمایش شده ولی قرار است نه در آینده نزدیک بلکه در اواخر مردادماه ۱۴۰۱ اکران گردد و وای‌تینی همانی است که روش کار پرهیجان و ریتم و ضرب قصه‌گویی‌اش به قسمت قبلی فرانچیز «ثور» (با نام جنبی «راگ ناروک») روال و شتاب دلچسبی را بخشید و باعث توفیق چشمگیر آن فیلم در گیشه‌ها شد. وای‌تینی نوشتن سناریو را هم عهده‌دار بوده و به تصمیم وی نه تنها ناتالی پورتمن اسکاری به جمع بازیگران این فیلم اضافه شده، کریستین بیبل بهترین ایفاگر رل مشهور به‌تمن در قرن بیست و یکم هم در «عشق و رعد» حضور خواهد داشت و نقش «گور» را عهده‌دار شده که وی را «سلطان قصاب‌ها» نیز می‌نامند. از ماجراهای این فیلم و تم رویدادها چیز خاص و زیادی رو نشده ولی مشخص است طبق روال معمول سری فیلم‌های «ثور» او باید با اهریمن‌هایی بستیزد که تشخیص‌شان از چهره‌های خوب و سایر سپید صورتانی که سیرتی سپاه دارند، بسیار سخت است و برخی از آنها دنیایی از قدرت‌اند.

«خانم مارول»



در این سری فیلم‌ها با یک دختر نوجوان پاکستانی تبار ساکن شهر جرسی امریکا به‌نام کامالاخان آشنا می‌شویم که به‌شدت رؤیاپرور و دوستدار داستان‌های کمیک‌بوکی است و علاقه ویژه‌ای به کاپیتان مارول دارد و به همین سبب در زندگی طبیعی‌اش و در کنار آمدن با سایر اعضای خانواده‌اش و دوستان و همکلاسی‌های خود دچار مشکل است، زیرا آنها آنها آدم‌های طبیعی و واقعی‌اند و نمی‌توانند نماد و مصداق رؤیاهای افراطی و خواسته‌های بزرگ او باشند. تا اینکه کامالا روزی صاحب همان توان خارق‌العاده‌ای می‌شود که ابرقهرمانان محبوب وی همواره و طبق داستان‌های کمیک‌بوکی از آن برخوردار بوده‌اند و از این لحظه به بعد احساس راحتی و امنیت و خوشی بیشتری می‌کند. توان کامالا به‌حدی می‌رسد که همچون کاپیتان مارول که پیوسته الگوی او بوده، می‌تواند قوی‌ترین‌ها را نیز درهم بکوبد و به این ترتیب وی را از آن‌پس نه کاپیتان مارول بلکه طبعاً خانم مارول و به عبارت دیگر «خانم فوق‌العاده» می‌نامند و هر فرد دردرس‌سازی باید مراقب او باشد، زیرا اگر کج برود، با مشیت آهنین این دختر ۱۶ ساله مواجه و تأدیب خواهد شد. نقش خانم مارول را ایمان ولانی بازی می‌کند و آمیس نایت، ساگار شیخ، ریش‌شا، زوبیا شروف، موهان کاپور، مت لپنتز، لیت ناکی، آذر عثمان و تراوینا اسپرینگر دیگر بازیگران قابل ذکر این فیلم هستند. اولین فیلم از این مجموعه در دسامبر ۲۰۲۱ (آذر ۱۴۰۰) در سطح جهان به نمایش عمومی درمی‌آید و کارگردانی قسمت‌های مختلف توسط عادل‌العربی، میرا منون و شارمین عبید چینیو که ریشه و تبار پاکستانی – هندی یا عربی دارند، صورت گرفته است.

معرفی فیلم‌های جدید کمیک استریپی، از ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۳

قسمت اول

وقتی جهان هستی چندپاره می‌شود

مقال روحانی
خبرنگار

مارول، کمپانی بزرگی که بسیاری از داستان‌های کمیک استریپی را متداول یا حمایت کرد و سپس با ساختن فیلم‌هایی سینمایی و به‌غایت پرفروش از روی این قصه‌ها به یک غول تجاری بزرگ‌تر و سودسازتر تبدیل شد، برای ادامه سال ۲۰۲۱ و سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ نیز طرح‌هایی تازه و فیلم‌هایی دیگر را در دست ساخت دارد. درست است که جولان بدخیم کرونا به کارهای این کمپانی بزرگ انتشاراتی و سینمایی هم لطماتی عظیم وارد کرده و پخش شماری از فیلم‌های آنان را دچار تأخیرهای مکرر ساخته اما مارول از پای در نیامده و همچنان مشغول تدوین رؤیاهای

«دکتر استرنج در جهان چندوجهی جنون»

پخش این فیلم برای اواخر ماه مارس ۲۰۲۲ (اوایل فروردین ۱۴۰۱) درنظر گرفته شده و گفته می‌شود حیطه داستان گویی را در گستره مارول چنان وسعت خواهد بخشید که پیشتر هرگز مشابه آن دیده نشده بود. قرار بود اسکات دیکرسون این فیلم را بسازد اما او به سبب اختلاف سلیقه‌اش با سران مارول راجع به چند و چون فیلم و راه‌های پردازش آن از پروژه کنار کشید و سم رایمی مشهورتر و معتبرتر جای او را گرفته که با ساخت تریلوی اول اسپایدرمن در پنج شش سال نخست دهه ۲۰۰۰ استادی‌اش را در تهیه فیلم‌های کمیک‌بوکی از هر جهت به اثبات رسانده است. اضافه بر دکتر استرنج که بنه‌دیکت کامبراج بریتانیایی در دو فیلم مستقل قبلی ساخته شده پیرامون وی ایفاگر رل او بوده، الیزابت اولسن هم در این ورسیمون تازه در قالب اسکارلت ویچ ظاهر می‌شود و ماجراهای فیلم به گونه‌ای به رویدادهای نسخه جدید اسپایدرمن هم مرتبط می‌شود که هنوز اکران عمومی نشده است. این نکته نیز بر سر زبان‌ها است که جریکو درام و به روایت دیگر وودو در این نسخه جدید

«عقاب و سرباز زمستانی»



این فیلم نیز به سبب مشکلات کرونایی از زمان اولیه اکرانش که فروردین ۱۴۰۰ بود، به ماه شهریور این سال انتقال یافته اما منفک از تغییراتی از این دست به اتفاقاتی می‌پردازد که پس از پایان‌بندی قسمت چهارم

«اسپایدرمن: به درون فرهنگ عنکبوت ۲»

این از معدود پروژه‌هایی است که مارول و سونی روی آن اختلاف نظر دارند و به همین سبب اطلاعات رو شده درباره آن اندک و تکلیف برخی مسائل حقوقی و مالی این فیلم نامشخص است. با این حال توفیق ورسیمون قبلی اسپایدرمن و قسمت اول «به درون فرهنگ عنکبوت» بقدری زیاد بود که بهترین تیروها و همان چهره‌های آشنا از نو به کار گرفته شده‌اند تا حاصل کار همانی باشد که استودیوهای سازنده این آثار سینمایی می‌خواهند. انتخاب‌های قطعی و مسائل حتمی، استفاده از دیوید کالاهام برای نگارش سناریوی فیلم و بهره‌گیری از یواخیم دوس سانتوز برای کارگردانی فیلم است و اگر همه چیز طبق برنامه پیش برود و استودیوهای مارول و سونی به هماهنگی لازم برسند و غریبت کرونا بلاهای تازه‌ای را نازل نکند، این فیلم در ۲۰ مهرماه ۱۴۰۱ اکران عمومی خواهد شد.

«پلنگ سیاه ۲»



موریوس که یکی از اسپین‌اف‌ها و بهتر بگویم فیلم‌های تبعی برخاسته از آثار اسپایدرمن است، از جمله کارهایی است که مارول و سونی پیکچرز روی آن حساسی ویژه باز کرده‌اند و داستان خاص این فیلم شاید نشانگر دلایل این توجه ویژه و جایگاه بالا باشد. فیلم، کاراکتر دکتر موریوس را در شرایطی روبه‌روی ما قرار می‌دهد که مبتلا به یک بیماری نادر خونی شده ولی به همین سبب مصمم است پادزهر و راه درمانی را بیابد که هم خود او و هم دیگران را از چنین وضعیتی و فرجامی رهایی بخشد. با این حال تباهی‌های مستتر در ذات و درون موریوس سبب می‌شود راه‌حل نجات‌آمیز او برای این بیماری و مبتلایان به آن تبدیل به یک شاهراه مرگ و نیستی شود و هرکسی که به این واکسن و راه مبارزه روی می‌آورد، محو گردد. دانیل اسپینوزا که سابقه کارگردانی فیلم ترسناک «خانه امن» را دارد، این فیلم را براساس سناریویی از مت‌سازاما، برک شارپلس و آرت مارکوم ساخته و ایفای نقش اصلی یعنی موریوس که مردی همچون خون‌آشام‌ها است، برعهده جارد لتو گذاشته شده که از غیرمتعارف‌ترین هنرپیشه‌های ۱۵ سال اخیر دنیا است و در دنیای

موریوس



دکتر استرنج به جمع کاراکترهای این سری فیلم‌ها می‌پیوندد و این هم می‌تواند از وجوه جالب و تازه این اثر سینمایی باشد.

اونجرز روی می‌دهد و روی دو کاراکتر عقاب و سرباز زمستانی متمرکز است. عقاب که سم ویلسون هم نامیده می‌شود و ایفای نقش او با آنتونی مک‌کی است و سرباز زمستانی که اسم واقعی‌اش باکی بارتز است و سیاستین استن رل او را بازی می‌کند، دست در دست یکدیگر می‌گذارند و نسبت به وقایعی واکنش نشان می‌دهند که جهان هستی را چندپاره می‌کند و کره خاکی را به سوی ناآرامی‌های شدید سوق داده و هر موجودی را به سوی خطر انقراض می‌راند. از آنجا که در مسیر داستان این فیلم سرنوشت برخی دیگر از قهرمانان یا آدم بدهای کمیک‌بوکی هم تشریح می‌شود، «عقاب و سرباز زمستانی» اهمیتی فزون‌تر می‌یابد و یکی از این چهره‌ها «زمو» است که او را پیشتر با بازی دانیل برول یکی از ارکان فیلم «کاپیتان آمریکا: جنگ داخلی» دیده بودیم. در همین راستا امیلی وان کمپ هم نقش خود را به‌عنوان شارون کارتر تکرار می‌کند و وایت راسل در نخستین مرتبه ورودش به دنیای مارول تبدیل به جان واکر می‌شود که هواداران داستان‌های مارول وی را نیک می‌شناسند و از پاهای ثابت مبارزه با تبهکاران بوده است.



پس از توفیق عظیم «پلنگ سیاه یک» و اختصاص یافتن دو جایزه اسکاری و جنبی به آن در سال ۲۰۱۸ کاملاً بدیهی بود که مارول و والت‌دیسنی دو کمپانی تولیدکننده آن فیلم قسمت دوم‌اش را هم بسازند ولی این هم طبیعی است که این‌بار خبری از چادویک بوسمن نباشد که نقش پلنگ سیاه را در فیلم نخست ایفا کرد و سال پیش در ۴۳ سالگی درگذشت. هنوز مشخص نشده که جانشین بوسمن و بواقع ایفاکننده جدید رل پلنگ سیاه در دومین قسمت این فیلم کیست اما رایان کوگلر کارگردان موفق قسمت اول کارش را در فیلم دوم نیز ادامه خواهد داد و یک‌بار دیگر سرشته‌آمور در دست‌های پرتوان وی خواهد بود. فیلم در ۲۷ مرداد ۱۴۰۱ در سطح جهان به نمایش درخواهد آمد و براساس شرایط مثبت یا منفی کرونا در آن ایام می‌توان میزان استقبال از آن را کم و بیش حدس زد اما بعید است با مشکلات عظیم کنونی فروش عظیم و ۱.۵ میلیارد داری فیلم اول برای قسمت دوم نیز تکرار شود.



کمیک بوک‌ها هم حشر و نشر زیادی داشته و از با تجربه‌های این قلمرو شده است. سایر بازیگران قابل ذکر این فیلم، تیرس گیبسون، ال مادریگال، ادریا اریونا و مت‌اسمیت هستند.

«چشم عقابی»



در این فیلم که اوایل پاییز امسال به نمایش درمی‌آید، جرمی رنر به‌عنوان کاراکتر کلینت بارتون به صحنه برمی‌گردد تا کیت بیشاپ (با بازی هیلای استاین فلد) را به گونه‌ای آموزش بدهد که بتواند در غیاب او جای «چشم عقابی» را پرکند و در واقع به جای او انجام وظیفه کند. «هاوک ای» براساس داستان‌هایی ساخته شده که مت فرکشن و دیوید آجا آن را نوشته‌اند و یکی از چهره‌های بارز آن پیتزا داگ است که در میان حیوانات و چهارپایان به تصویر کشیده شده در دنیای کمیک‌های مارول یکی از محبوب‌ترین‌ها است. اضافه بر آنها ورا فارمیگا در رل النور بیشاپ، فراقی در نقش کازیمرز کازی میرژاک، تونی الدتون در قالب جک دوکسنه و فلورانس پیو هم به‌عنوان یل‌نا بیلووا حضوری بارز در این فیلم دارند و همین‌طور الاکوا کاکس به‌عنوان مایا اکو لویز، با توجه به طول مدت تهیه این فیلم و تعویق افتادن در پخش آن که به خاطر مشکلات کرونایی بوده و انتظار طولانی هواداران این کاراکتر کمیک‌استریپی برای دیدن نخستین نسخه سینمایی آن، با فیلمی روبه‌رو هستیم که به‌رغم کمبودهای برخاسته از این بیماری مهلک تماشاگران زیادی را به سالن‌های محل پخش خود خواهد کشید و البته بینندگان فراوان‌تری روی نسخه‌های ویدیویی خود خواهد داشت.

«لوکی»



این هم یک فیلم مشتق شده از «اونجرز ۴» و بیرون آمده از دل وقایع پایانی آن اثر پرطرفدار سینمایی است و در آن تام هیدلستون رل خود را به‌عنوان کاراکتر لوکی تکرار می‌کند. این‌بار لوکی از زیر سایه برادرش خارج می‌شود ولی به جای رسیدن به آرامش و امنیت بیشتر به ورطه‌ای پامی‌گذارد که انواع خشونت‌ها و ناملایمات در آن وجود دارد و هرچیز عجیب ممکني ظهور می‌کند. یکی از آنها بازگشت کاراکتر هیمدال است و دیگری به میدان آمدن دوباره کاراکترهایی که آنان را «آسگار دیان» می‌نامند و دیگر رویداد از این قبیل ظهور اوون ویلسون در قالب شخصیتی است که بی‌شباهت به یک کاراکتر پرطرفدار دنیای کمیک‌های مارول نیست. لوکی در مسیر داستان این فیلم مجبور به سرفت و حضور در عملیاتی می‌شود که نظم زمان و مکان و فضا را به هم می‌ریزد و حتی به‌دنیال پست ریاست جمهوری امریکا هم می‌رود زیرا می‌داند هرچقدر هم در این زمینه بی‌تجربه نباشد، قطعاً ضعیف‌تر از دونالد ترامپ عمل نخواهد کرد. پخش جهانی این فیلم برای اوایل پاییز امسال درنظر گرفته شده است.

«واندا ویزن»



این فیلم که پخش آن از ماه فوریه ۲۰۲۱ به ماه سپتامبر این سال (شهریور ۱۴۰۰) منتقل و موکول شده، سرنوشت کاراکتر واندا را توضیح می‌دهد که در اواخر ماجراهای فیلم «اونجرز ۴» (یا «اونجرز: بازی پایانی») تبدیل به یک جادوگر سرخ‌رنگ شد. در همین راستا توضیح داده می‌شود که واندا بعد از مرگ ویزن به شمایل افسوس و غم تغییر وضعیت داد و سپس به حیطه‌ها و صحنه‌های مبارزاتی‌ای وارد شد که فقط در دنیای مارول و البته در قلمرو کمیک بوک‌های دی‌سی می‌توان نظایر آن را یافت. در این فیلم الیزابت اولسن رل واندا ماکسیموف را ایفا کرده و پل بنانی هم «ویزن» است با این تفاوت نسبت به اونجرز که ویزن به‌رغم مرگ در آن فیلم، در عرصه این فیلم تازه دوباره به حیات و زندگی می‌رسد و هر دوی آنها کشف می‌کنند زندگی لزوماً و فقط همانی نیست که پیش‌رویشان جلب‌نظر می‌کند و پشت سر هر چیز ساده‌ای موجودی پیچیده آرمیده است. اضافه بر دو بازیگر اصلی که نام‌شان آمد، کاترین هان در نقش اگنس، تیونا پاریس در قالب مونیکا رامبو، کت دنینگز در رل دارسی و رندال پارک هم در نقش جیمی وو ظاهر می‌شوند تا فیلم تبدیل به یک دنیای ویژه و غیرقابل تخمین مارولی شود، بخصوص که این کاراکترها پیشتر در حیطه کارهایی کمیک‌استریپی چون «تور» و «دستیاران شیلد» هم رؤیت شده و هنرنمایی کرده بودند.